



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۲، صص ۹۹۱-۱۰۰۷

گذار از فرسودگی به بازآفرینی پایدار در بافت‌های تاریخی: ارائه الگوی مداخله

زمینه‌گرا (مطالعه موردی: بافت پیرامون امامزاده محمد (ع) تفرش)^۱

سیدحسین امینی^۱، میترا کلانتری^{۲*}، مرتضی بیابانی^۳

۱ - گروه معماری، واحد تفرش، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران

۲ - گروه معماری، واحد تفرش، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران. mitra.kalantari@iau.ac.ir

۳ - گروه معماری، واحد تفرش، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۰

چکیده :

بافت‌های تاریخی شهرهای ایرانی که حول محور عناصر مذهبی شکل گرفته‌اند، امروزه با چالش‌های جدی نظیر گسست کالبدی، فرسایش اجتماعی و ناکارآمدی عملکردی مواجه‌اند. پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی مداخله‌ای کارآمد جهت "بازآفرینی پایدار" در بافت تاریخی محله امامزاده محمد (ع) شهر تفرش انجام شده است. روش تحقیق ترکیبی است که در بخش کیفی از راهبردهای تفسیری-تاریخی و مطالعات میدانی (مشاهده، مصاحبه عمیق و نقشه‌برداری شناختی) و در بخش کمی از تحلیل سلسله‌مراتب (AHP) برای اولویت‌بندی پتانسیل‌های سایت بهره می‌برد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مداخله صرفاً کالبدی (مرمت تک‌بنا) پاسخگوی نیازهای پیچیده بافت نیست. نتایج حاصل از تحلیل SWOT حاکی از آن است که راهبرد "تدافعی-رقابتی" مناسب‌ترین رویکرد برای این محدوده است. یافته‌ها تایید کننده سناریوی بازآفرینی فرهنگ‌محور و گردشگری پایه است. بر این اساس، طرح پیشنهادی در سه مقیاس "کلان" (ساماندهی نظام دسترسی)، "میان" (ساماندهی عرصه‌های همگانی و جداره‌ها) و "خرد" (تغییر کاربری سازگار خانه‌های تاریخی به اقامتی-فرهنگی) ارائه شده است. بازآفرینی بافت تاریخی پیرامون امامزاده محمد (ع) تفرش، نیازمند گذار از رویکرد "موزه‌ای و حفاظتی صرف" به رویکرد "پویا و مشارکتی" است. پژوهش حاضر با واکاوی چندلایه بافت پیرامون امامزاده محمد (ع) تفرش، به این نتیجه رسید که "بازآفرینی" در این بستر، فرآیندی خطی نیست، بلکه چرخه‌ای است میان "خوانش گذشته" و "پاسخ به حال". نتایج نشان می‌دهد که تکیه صرف بر درآمدهای نفتی یا بودجه‌های دولتی برای مرمت، راه به جایی نخواهد برد. راه نجات بافت، "اقتصادی کردن حفاظت" است. این پژوهش اثبات می‌کند که بازآفرینی با تکیه بر الگوی "گردشگری مذهبی-تاریخی" می‌تواند موتور محرک توسعه اقتصادی محله باشد، مشروط بر آنکه ضوابط طراحی میان‌افزا (Infill) به دقت رعایت شود.

واژه‌های کلیدی: بازآفرینی شهری پایدار، گردشگری مذهبی، بافت تاریخی تفرش، معماری زمینه‌گرا، طراحی میان‌افزا.

۱ مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد سیدحسین امینی با عنوان «بازطراحی فضاهای شهری با تکیه بر بافت تاریخی با رویکرد توسعه گردشگری (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر تفرش) که با راهنمایی خانم دکتر میترا کلانتری و مشاوره ی آقای دکتر مرتضی بیابانی انجام شده است.

امروزه بازطراحی فضاهای شهری به عنوان یک مساله مهم و پیچیده در جوامع مختلف دیده می شود ؛ و افزایش سریع آن در دهه های اخیر برنامه ریزان و طراحان را بر آن داشته است که به مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... شهر توجه بیشتری معطوف داشته و درصدد باشند تا محیط مناسب و دلپذیر برای شهروندان ف ساکنان محلی و در نهایت برای گردشگران فراهم آورند. (ایمانی خوشخو، ۱۳۹۸، ص. ۲۰) بناهای تاریخی به یادگار مانده ، یکی از ارزشمندترین میراث از هنر و تجربه و خرد گذشتگان ماست. حفاظت و احیا و انتقال صحیح آنها به نسل های آینده بسیار حائز اهمیت است. ساختمان های تاریخی در بافت خود پاسخگوی انسان ها و کاربران زمان خود بوده اند ، از این رو امروزه نحوه ی برخورد با آنها با حفظ هویت و پاسخ به نیازهای انسان امروزی صورت می گیرد (حقی، ۱۴۰۰، ص. س). با توجه به سبک زندگی و اصول و روش های مورد استفاده در بافت های تاریخی و فضاهای مختلف شهری موجود در آن و همچنین با توجه به پیشرفت چشمگیر تکنولوژی و فناوری های نوین و ظهور برخی موضوعات جدید در این زمینه ضرورت باز طراحی بناها و فضاهای شهری در بافت های ارزشمند تاریخی بیش از پیش احساس می شود. (امینی، ۱۴۰۳، ص. ۴)

۲ - بیان مساله:

شهرهای تاریخی ایران، متونی خوانا از تعامل فرهنگ، مذهب و اقلیم هستند (Habibi, 2018). در این میان، "شهر تفرش" به عنوان یکی از کانون های شیعی و تاریخی استان مرکزی، دارای بافتی ارزشمند است که حول هسته مذهبی "امامزاده محمد(ع)" شکل گرفته است. با این حال، شواهد موجود (مشاهدات میدانی نگارنده، ۱۴۰۳) نشان می دهد که این بافت دچار چرخه معیوب فرسودگی شده است: مهاجرت ساکنان بومی، جایگزینی جمعیت کم درآمد و غیر بومی، تخریب دانه های ارزشمند ، نفوذناپذیری معابر و حذف بسیاری از کاربری های قدیمی . با وجود پتانسیل های غنی کالبدی و معنایی، رویکردهای پیشین مداخله در بافت های مشابه، غالباً به صورت تک بعدی و با تمرکز صرف بر "موزه ای کردن" کالبد یا نوسازی های مخرب و فاقد هویت بوده است که گسست اجتماعی و کالبدی را تشدید کرده اند. این گسست در سه لایه قابل تبیین است: لایه اول گسست کالبدی-فضایی: مداخلات مقطعی و پروژه محور (مانند تعریض معابر بدون توجه به دانه بندی)، یکپارچگی بافت را از بین برده است. دانه های درشت جدید با مصالح ناهمگون (سنگ و کامپوزیت) در کنار خانه های خشتی و آجری ریزدانه، اغتشاش بصری شدیدی ایجاد کرده و خط آسمان تاریخی را مخدوش نموده اند. همچنین، حریم منظری گنبد امامزاده که باید عنصر شاخص باشد، توسط ساختمان های بلندمرتبه جدید تهدید می شود. لایه دوم گسست عملکردی-اقتصادی: در گذشته، بازارچه های پیرامون امامزاده نبض اقتصادی شهر بودند. اما اکنون، با تغییر سبک زندگی و انتقال مراکز تجاری به خیابان های جدید و حذف کاربری های مختلف، کارکرد اقتصادی این محدوده به شدت تنزل یافته است. بسیاری از حجره ها متروک شده یا به انبار تبدیل شده اند که این امر "امنیت اجتماعی" را در ساعات شب کاهش می دهد. لایه سوم گسست اجتماعی-جمعیت شناختی: شاید حادترین مسئله، "جایگزینی جمعیت" باشد. ساکنان اصیل و قدیمی

¹ Landmark

به دلیل فرسودگی کالبدی و عدم دسترسی به خدمات مدرن، محله را ترک کرده‌اند و جای آن‌ها را مهاجران غیربومی با تعلق خاطر پایین به بافت پر کرده‌اند. این امر موجب کاهش "نظارت اجتماعی" و تضعیف حس تعلق^۱ شده است. بنابراین، مسئله تحقیق صرفاً مرمت چند بنای تاریخی نیست؛ بلکه فقدان یک "طرح جامع بازآفرینی" است که بتواند تعادلی پویا میان "حفاظت" و "توسعه" برقرار کند. مسئله اصلی این پژوهش، فقدان یک "الگوی جامع مداخله" است که بتواند ضمن حفظ اصالت تاریخی^۲، حیات مدرن را به رگ‌های بافت تزریق کند.

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش :

اهمیت این پژوهش در ارائه مدلی بومی برای شهرهای میانی ایران است. اکثر الگوهای بازآفرینی موجود، برگرفته از کلان‌شهرها هستند و برای شهرهای کوچکی مثل تفرش با ساختار اجتماعی خاص و فرهنگ و آداب و رسوم محلی و بافت جمعیتی ویژه کارایی ندارند. حفظ این محدوده نه تنها حفاظت از کالبد، بلکه حفاظت از "خاطره جمعی" و "هویت مذهبی" شهر است (Tiesdell & Heath, 1996). ضرورت این پژوهش در آن است که با عبور از نگاه‌های کالا انگاشتی به شهر و خصوصاً بافت‌های ارزشمند تاریخی، بازآفرینی را به مثابه فرآیندی جامع و زمینه‌گرا^۳ در نظر می‌گیرد که در آن با استفاده از صنایع وابسته ای چون گردشگری به عنوان ابزاری برای احیای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی زیست‌بوم محله برای گذر از فرسودگی و فراموشی به پایداری و ماندگاری بدل می‌سازد. (امینی، ۱۴۰۳، ص. ۴). فقدان مدلی بومی که بتواند تعادل میان "حفاظت فعال" و "نیازهای معاصر" را در شهرهای میانی ایران برقرار سازد، شکاف اصلی مطالعاتی این حوزه محسوب می‌شود. از این رو، مقاله پیش‌رو با پرسش از چگونگی ارتقای کیفیت محیطی از طریق انجام طراحی میان‌افزایی^۴ می‌کوشد تا با تلفیق روش‌های تحلیل کیفی و کمی، چارچوبی عملیاتی برای گذار از فرسودگی به پایداری در بافت پیرامون امامزاده محمد(ع) شهر تفرش تدوین نماید.

۴- اهداف پژوهش:

۴-۱ هدف اصلی: ارائه الگوی مداخله‌ای کارآمد جهت "بازآفرینی پایدار" در بافت تاریخی محله امامزاده محمد(ع) شهر تفرش.

۴-۲ اهداف جزئی:

- ☞ شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و عملکردی اثرگذار بر فرسودگی بافت.
- ☞ تبیین اصول و معیارهای طراحی زمینه‌گرا^۳ بافت تاریخی امامزاده محمد(ع) برای رسیدن به بازآفرینی پایدار.

۴-۳ سوالات پژوهش:

- ☞ چه مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و عملکردی ای بر فرسودگی بافت اثرگذار هستند؟

¹ Sense of Belonging

² Authenticity

³ Contextual

⁴ Infill Design

آیامی توان با داشتن الگوی مداخله ای زمینه گرا در بافت تاریخی امامزاده محمد(ع) بازآفرینی پایدار ایجاد کرد؟

۵ - مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۵-۱ چارچوب نظری^۱

در چارچوب نظری این پژوهش با دو مقوله روبرو هستیم نخست فرسودگی و بعد بازآفرینی. فرسودگی همانطور که از معانی مختلف ارائه شده برای آن برمی آید کهنه شده، غیر قابل استفاده بودن، عدم کارایی گذشته و موارد دیگر؛ اما گاه فرسودگی به دلیل عدم توجه ایجاد می شود. گاهی شئی با تمام زیبایی و سلامت به دلیل عدم استفاده دچار فرسودگی می شود. این مساله در بافت های تاریخی ما به وضوح دیده می شود. بعضا به دلیل نادیده ماندن بسیاری از کارایی ها و زیبایی هایشان متأسفانه در معرض فرسودگی و گاه نابودی قرار می گیرند. رسالت بازآفرینی بر این است که به بافت های تاریخی از یاد رفته و نادیده گرفته شده با استفاده از تکنیک های مختلف جان دوباره ببخشد(امینی، ۱۴۰۳). در ادامه این مسیر، پژوهش حاضر بر هم پوشانی سه حوزه نظری استوار است: "بازآفرینی شهری پایدار"، "منظر فرهنگی" و "معماری میان افزا". تکامل پارادایم های مداخله در بافت تاریخی از قرن نوزدهم تاکنون تحولات بنیادینی را تجربه کرده است. این تحولات رامی توان شامل موارد زیر دانست:

مرمت سبکی^۲: اوژن ویوله لودوک معتقد بود باید بنا را به وضعیتی کامل تر از آنچه بوده بازگرداند. این نگاه در ایران دهه های گذشته منجر به "بازسازی های غیرمستند" شد.

حفاظت رمانتیک^۳: جان راسکین بر "عدم مداخله" و پذیرش مرگ طبیعی بنا تأکید داشت.

بازآفرینی شهری^۴: رابرتز و سایکس (Roberts & Sykes, 2000) بازآفرینی را رویکردی جامع می دانند که فراتر از کالبد رفته و به حل مسائل اقتصادی و اجتماعی می پردازد. در این دیدگاه، بافت تاریخی "موزه" نیست، بلکه "محیط زیست" انسان معاصر است. پژوهش حاضر بر این رویکرد تأکید دارد که حفاظت باید "پویا" باشد.

نظریه منظر فرهنگی^۵: طبق تعریف یونسکو، منظر فرهنگی نتیجه تعامل انسان و طبیعت در طول تاریخ است. تفرش با قنات های کهن، باغات در هم تنیده با خانه ها و توپوگرافی کوهستانی، یک منظر فرهنگی تمام عیار است. در این دیدگاه، امامزاده محمد(ع) فقط یک بنا نیست، بلکه کانونی است که معنای کل منظر را تعریف می کند هرگونه طراحی جدید باید "روح مکان" را درک و تقویت کند. (Norberg-Schulz, 1980).

معماری زمینه گرا و میان افزا^۶: طراحی در بافت تاریخی نیازمند رویکرد زمینه گراست. این رویکرد به معنای تقلید کورکورانه از گذشته نیست، بلکه تفسیر امروزی از الگوهای کهن است. کریر (Krier, 1979) بر لزوم تداوم "بافت دانه" و "خط آسمان" تأکید دارد. برنت برولین (Brent Brolin) در کتاب "معماری در زمینه"، موفقیت طراحی

¹ Theoretical Framework

² Stylistic Restoration

³ Romantic Conservation

⁴ Urban Regeneration

⁵ Active Conservation

⁶ Cultural Landscape

⁷ Context-oriented and mediating architecture

جدید را در رعایت "تناسبات"، "مقیاس"، "مصالح" و "ریتم" می‌داند، نه کپی‌برداری از قوس و گنبد. رویکرد این مقاله، "زمینه‌گرایی انتقادی" است؛ یعنی معماری جدید باید فرزند زمان خویش باشد اما به ارزش‌های بستر خود احترام بگذارد.

۵-۲ پیشینه پژوهش :

پیشینه تحقیقات داخلی : در سال‌های اخیر، توجه به بازطراحی و باز آفرینی فضاهای شهری و حفاظت از بافت‌های تاریخی در ایران افزایش یافته است. تحقیقات مختلفی در این زمینه انجام شده است: فرخانی، شیخ الاسلامی و نوروزی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان: بازطراحی فضاهای شهری با تاکید بر رویکرد ارتقای احساس امنیت (مطالعه موردی بافت تاریخی و قدیمی شهر خرم آباد) امنیت را از مولفه‌های اساسی باز طراحی فضاهای شهری در بافت تاریخی دانسته و معتقدند در بازطراحی‌های فضاهای شهری باید مولفه‌ی امنیت به عنوان مهمترین عامل برای پویای و سرزندگی برای ساکنان و گردشگران در نظر گرفته شود. چرا که نمود آن را میتوان در حضور فعال مردم، خلق فرهنگ مشارکت، تعاون و تعامل، کاهش استرس و نگرانی، حضور گروه‌های مختلف سنی و جنسی و همچنین حیات شبانه مشاهده کرد. همچنین اهمیت و ضرورت این تحقیق بر پایه بهبود ویژگی‌های کالبدی فضاهای عمومی استوار است که میتواند منزلت اجتماعی را به واسطه‌ی افزایش احساس امنیت ارتقا دهد. شعله، و لطفی و کیان (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان کاربرست فرآیند یکپارچه طراحی شهری در بازآفرینی مکان مبنای بافت‌های تاریخی باززنده سازی تداوم مکانی گذر سنگ سیاه شیراز با تحلیل زمان مبنای طراحی شهری و سیر تحول دو جریان حفاظت و بازآفرینی یکپارچه شهری، رسیدن به یکپارچگی در مکان تاریخی شهر به فرآیند طراحی شهری، توأمان با حفاظت و بازآفرینی در فضاهای تاریخی نیاز است. بدین معنا که دست یابی به یک فضای مطلوب نیازمند بازآفرینی فضا در سایه حفاظت از اصالت آن فضا میسر خواهد بود. مولائی قلیچی و حسینیان راد (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان تحلیل پیش‌رانهای مؤثر بر بازآفرینی بافت تاریخی شهری با رویکرد آینده پژوهی (مورد مطالعه: شهرکاشان) بازآفرینی بافت تاریخی شهری را یکی از حوزه‌های مهم مطالعه در برنامه ریزی شهری به ویژه در شهرهایی با میراث فرهنگی غنی مانند کاشان می‌دانند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که هدف این فرآیند احیاء و حفظ اهمیت بافت‌های تاریخی در عین انطباق با نیازهای شهری معاصر است. در این تحقیق عواملی چون تضمین امنیت سکونت بافت، مشارکت، سرمایه اجتماعی، بهبود درآمد ساکنان و عدالت اجتماعی جزو عوامل کلیدی و مهم برای توسعه بازآفرینی در شهرکاشان تعیین شده‌اند. در مطالعات، تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده که در این پایان نامه به برخی از آنها اشاره شده است موضوعی که از اهمیت زیادی برخوردار بوده و توجه ویژه‌ای به آن شده است؛ اصل ضرورت مساله بازطراحی و بازآفرینی برای فضاهای موجود در بافت‌های تاریخی است که به نظر میرسد این مساله تا جایی لازم و ضروری است که حتی به حیات این بافت‌ها گره خورده است. نیازهای فرهنگی-اقتصادی-اجتماعی و سیاسی، لزوم توجه به آداب و رسوم محلی، حفظ و صیانت از بافت‌های تاریخی، توجه به جامعه محلی، در نظر گرفتن بازدید کنندگان و گردشگران، بحث امنیت بنا و فضا، توجه خاص به مسأله کاربری‌ها و تنوع آنها در بافت‌های تاریخی از جمله مواردی بود که در تحقیقات گذشته مورد بررسی و توجه قرار گرفته بودند. (حسن زاده و سلطان زاده، ۱۳۹۵)

در پژوهشی با عنوان طبقه بندی راهبردهای برنامه ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی به این نتیجه رسیده‌اند که فرسودگی در بافت‌های تاریخی در پنج حالت اتفاق می‌افتد که هر یک از این حالات شرایط

خاص خود را دارد و بازآفرینی باید متناسب با آن صورت پذیرد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد در ارائه راهبردها و سیاست های مداخله ابتدا باید بر اساس نشانه های فرسودگی و زمینه های توسعه پویا، نوع فرسودگی را شناسایی کرد و سپس بر اساس تشخیص سطح پایداری به اقدامات و سیاست های متناسب با زمینه تاریخی پرداخت. نخست، وجود شرایط کالبدی ناپایدار و وجود زمینه های توسعه پویا است. حالت دوم و سوم، زمانی است که بافت تاریخی دارای پایداری نسبی به دلیل وجود نواقصی در ابعاد کالبدی و عملکردی و دارای مشکلاتی در ساختار اقتصادی- اجتماعی است. چهارم، زمانی که بافت ظاهرا مسائل کالبدی و عملکردی چندانی ندارد، اما به جهت ساختارهای اقتصادی و به خصوص اجتماعی دچار نوعی طردشدگی و انزوای درونی است. پنجم، زمانی که کار گرفته می شود که بافت تاریخی در وضعیت ناپایدار قرار دارد و نواقص گسترده ای در ابعاد کالبدی، عملکردی و موقعیتی وجود دارد. (فاضلی حق پناه، ۱۳۹۵) در پژوهشی اصول طراحی بنا در بافتهای فرسوده با استفاده از معماری زمینه گرا، نحوه مداخله در بافت های فرسوده در کالبد و فعالیت آن ها دانسته و به این نتیجه رسیده است که در بناهای فرسوده نیز این نحوه مداخله می تواند کالبدی و فعالیتی باشد که با مولفه های زمینه گرایی همخوانی دارد. در انتها اصول طراحی بناها را در بافت های فرسوده براساس مولفه های کالبدی، تاریخی، اقلیمی، فرهنگی و فعالیتی ارائه کرده است.

پیشینه تحقیقات خارجی: در کشورهای مختلف جهان نیز پژوهش های متعددی در این زمینه صورت گرفته است که از جمله آنها: Zhang, Kang & Hoon Koo (۲۰۱۹) در پژوهش عوامل مؤثر در بازآفرینی بافت تاریخی منطقه نانلوگوکسیانگ پکن را مورد بررسی قرار دادند و یافته ها نشان داد که دو عامل بهبود فضای عمومی و مرمت و بهسازی ساختمان به عنوان مهمترین عوامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و یافته ها نشان داد که این عوامل ارتباط نزدیکی با سیاستها و طرحها، دستورالعمل ها و معیارهای تحقیق و پژوهش داشته اند و به این نتیجه رسیدند که تأثیر عناصر فرهنگی در بازآفرینی بر سایر عوامل به دلیل تجاری سازی، بسیار کم بوده است. Pulles, Conti, Kleijn & et al (۲۰۲۳) در پژوهشی با مرور تحقیقات انجام شده، برای بازآفرینی بافت های تاریخی شاخص هایی را پیشنهاد کردند. نویسندگان با مطالعه ۴۵ تحقیق انجام شده، ۴۶ شاخص را استنباط و از طریق تحلیل محتوا و نظر خبرگان ۴۶ شاخص را اولویت بندی کردند و به این نتیجه رسیدند که شاخص های مشارکت شهروندان، سیاستهای دولتی، مکانهای بهینه و حفظ و تبدیل بافت میتواند در اولویت های نخست قرار بگیرد و تصمیم گیرندگان و برنامه ریزان و مدیران مختلف شهری می توانند به منظور بازآفرینی بافت های تاریخی از شاخص های مربوطه استفاده کنند. & Alexander, Ishikawa Silverstein, (۱۹۳۶) در رابطه با بافت های فرسوده شهر و محوطه های تاریخی برای جاد نظم ارگانیک، اندام واره یا سازمند، استفاده ی گسترده از مشارکت مردم تاکید می کند. (پورجعفری، ۱۳۸۸، ص. ۱۵). همچنین به اصولی از قبیل مشارکت مردمی، نظم ارگانیک، تعادل پایدار با معاصر سازی عناصر فرعی می توان به تعادل پایدار رسید و هماهنگی با سازمان اقتصادی، اجتماعی و محیطی اعتقاد داشت. (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۶، ص. ۵۰). Leary, & McCarthy (۲۰۲۰) در کتابی با عنوان راهنمای راتلج برای بازآفرینی شهری به این نتیجه رسیده اند که بازآفرینی شهری، به ویژه در بافتهای تاریخی، به عنوان موضوعی حیاتی در برنامه ریزی شهری مطرح شده

است. حفظ و احیای بافت تاریخی شهری نه تنها به حفظ میراث فرهنگی کمک می کند، بلکه باعث رشد اقتصادی و افزایش کیفیت زندگی میشود. در تحقیقات خارجی نیز چیزی که بیشتر از همه جلب نظر می کند لزوم توجه به بازآفرینی فضاهای موجود در بافت های تاریخی با توجه به شرایطی نظیر جامعه ی محلی، گردشگران، حفاظت و صیانت از میراث های تاریخی و فرهنگی، توجه به بعد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، حفظ سنت های قدیمی، لزوم همکاری و هماهنگی بین مردم و مسئولان است.

چند تجربه ی عملیاتی جهانی و داخلی:

تجربه بولونیا (ایتالیا): طرح حفاظت بولونیا ۱۹۷۰ نشان داد که حفظ بافت تاریخی بدون حفظ ساکنان اصلی ممکن نیست. آن ها با ارائه یارانه به ساکنان، از اعیان سازی جلوگیری کردند.

شهر لیسبون (پرتغال): بزرگترین شهر این کشور که قدیمی ترین شهر غرب اروپا نیز محسوب می شود و از دیدگاه کارشناسان قدمتی نزدیک به ۳۲۰۰ سال دارد بافت های تاریخی بسیار زیادی دارد که طبق قوانین و ضوابط، ظاهر آنان حفظ و مورد مرمت قرار گرفته، اما کلیت آن بازآفرینی شده است به نحوی که به روح آن بافت تاریخی ضربه ای وارد نشود.

شهر استراسبورگ (فرانسه): حفظ و احیای ساختمان های تاریخی، استفاده از مصالح سنتی، ایجاد فضاهای عمومی جذاب و وضع قوانین سختگیرانه ساخت و ساز برای حفظ یکپارچگی بافت تاریخی، یک معماری زمینه گرا را در حد تعالی در این شهر می توان دید. (امینی، ۱۴۰۳، ص ۳۱)

تجربه ی خیابان تربیت تبریز (ایران): از شاخص های رعایت شده در این بازطراحی را می توان به مشارکت جامعه محلی (مردم)، بهبود وضعیت اقتصاد پایدار محلی، توسعه گردشگری پایدار، توجه به کالبد بنا و نوع کاربری ها، حفاظت از میراث تاریخی، حفظ فرهنگ و آداب و رسوم محلی و بروزرسانی و پویایی بافت تاریخی اشاره کرد. (امینی، ۱۴۰۳، ص ۲۸)

تجربه یزد (ایران): اقدامات انجام شده در محله فهادان یزد، اگرچه کالبد را حفظ کرد، اما با تبدیل افراطی خانه ها به هتل، زندگی روزمره محله را مختل نمود.

جایگاه پژوهش حاضر: در مطالعات پیشین شهر تفرش (از جمله طرح تفصیلی)، نگاه غالب "ترافیک محور" بوده است (تعریض خیابان ها). مقاله حاضر نخستین پژوهشی است که با نگاه "گونه شناسانه" به دانه های مسکونی و ارتباط آن ها با مرکز مذهبی پرداخته و به جای کلی گویی، وارد فاز "طراحی جزئیات" شده است.

^۱Typological

۶ - روش‌شناسی تحقیق

انتخاب روش تحقیق در مطالعات معماری و شهرسازی، تابع ماهیت مسئله است. با توجه به پیچیدگی موضوع که دارای ابعاد عینی (کالبد) و ذهنی (ادراک ساکنان) است، این پژوهش از استراتژی "ترکیبی - اکتشافی" بهره می‌برد.

۶-۱ روش‌شناسی کیفی: هدف این بخش، فهم عمیق بستر و کشف لایه‌های پنهان تاریخی است. که با دو رویکرد پدیدارشناسی^۱ و تاریخی-تفسیرگرایی انجام می‌پذیرد.
ابزار گردآوری:

۸۰ مطالعات اسنادی: بررسی عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ (سازمان نقشه‌برداری) برای درک سیر تحول بافت و شناسایی دانه‌های تخریب شده.

۸۰ مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته: انجام ۲۰ مصاحبه عمیق با سه گروه: ساکنان قدیمی (برای ثبت تاریخ شفاهی)، کسبه بازارچه (برای درک مسائل اقتصادی) و گردشگران (برای نیازسنجی گردشگری).
نقشه‌برداری شناختی:^۲ از ۵۰ نفر از ساکنان خواسته شد تا تصویر ذهنی خود از محدوده امامزاده را ترسیم کنند. تحلیل این نقشه‌ها (به روش Lynch, 1960) نشان داد که گنبد امامزاده قوی‌ترین عنصر "نشانه" و کوچه منتهی به آن، اصلی‌ترین "لبه" ذهنی است.

۶-۲ روش‌شناسی کمی و تحلیلی: هدف این بخش، سنجش دقیق وضعیت موجود و اولویت‌بندی مداخلات است.

۸۰ تحلیل چیدمان فضا: با استفاده از نرم‌افزار UCL Depthmap، نقشه محوری محدوده ترسیم شد. تحلیل شاخص‌های "هم‌پیوندی و انتخاب" نشان داد که هسته مرکزی محله علیرغم پتانسیل بالا، دارای انزوای فضایی نسبت به خیابان‌های جدید است.

۸۰ تکنیک AHP تحلیل سلسله‌مراتب: برای انتخاب بهترین سناریوی مداخله، معیارهای "حفاظت کالبدی"، "رونق اقتصادی"، "پایداری اجتماعی" و "امکان‌پذیری اجرایی" در ماتریس مقایسه زوجی توسط ۱۰ نفر از خبرگان معماری و شهرسازی وزن‌دهی شدند.

۶-۳ فرآیند گونه‌شناسی: در این مرحله که هسته اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد، ۱۰ خانه شاخص برداشت رلوه شدند. تحلیل‌ها شامل بررسی "الگوی استقرار توده"، "سازماندهی پلان"، "نحوه نورگیری" و "تزئینات" بود. این تحلیل منجر به استخراج "کد ژنتیک (DNA) معماری مسکونی" تفارش شد که مبنای طراحی‌های جدید قرار گرفت.
۶-۴ روش تجزیه و تحلیل: استفاده از تکنیک SWOT (نقاط قوت، ضعف، فرصت، تهدید) برای تدوین راهبردها و ماتریس QSPM برای اولویت‌بندی آن‌ها.

¹Exploratory Mixed Methods

²Phenomenology

³ Cognitive Mapping

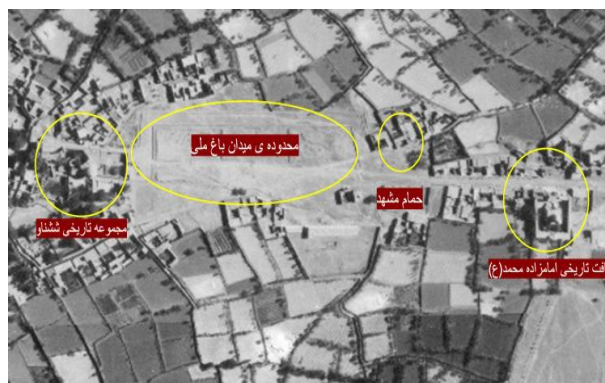
⁴ Space Syntax

⁵ Axial Map

⁶ Integration & choice

۷- شناخت و تحلیل محدوده مطالعاتی

۷-۱ ویژگی محدوده مورد مطالعه: شامل هسته مرکزی محله مشهد تفرش با مرکزیت بنای امامزاده محمد(ع) تعریف می‌شود. بافت تاریخی امامزاده محمد(ع) در خیابان انقلاب از تقاطع خیابان جمال آباد تا میدان امام خمینی(ره) شهر تفرش گسترش می‌یابد. محدوده ی قدیم بافت در تصویر شماره ۱ مشاهده می‌شود.



تصویر شماره ۱ - عکس هوایی از محدوده ی بافت امامزاده(ع) سال ۱۳۳۷. (منبع: <https://mehregan-tafresh.com>)

این محله که به دلیل حضور امامزاده جلیل القدر حضرت سلطان محمد(ع) به مشهد معروف شده است، جزئی از بافت قدیمی و تاریخی شهر تفرش محسوب می‌شود. بنای اصلی امامزاده مربوط به اواخر قرن هشتم دوره ی ایلخانی و مرمت و بازسازی شده در دوره صفویه است. یکی از ویژگی های بنای امامزاده وجود آب انبار ۲۲۰ ساله است که توسط یکی از سادات تفرشی به نام میرزا شریف تفرشی ساخته شده است. شالوده ی این بنا از سنگ بوده و نماسازی آن در بادگیرها و ورودی از آجر است. مسجد قدیمی بالای آب انبار که طی سال های دهه ۷۰ و ۸۰ به دلیل عدم رسیدگی و همچنین متروکه شدن تخریب گردیده و هم اکنون فقط دیوار ضلع جنوبی آن قابل مشاهده است. (امینی، ۱۴۰۳، ص. ۷۱). تصویر شماره ۲ بازگوی این واقعیت است.



تصویر شماره ۲ - آب انبار و مسجد (منبع: نگارنده)

حمام قدیمی مشهد یک اثر تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران است. قدمت این بنا به دوره پهلوی اول بازمی‌گردد و در سال ۱۳۸۷/۰۸/۲۵ تحت شماره ۲۳۸۰۶ به ثبت ملی رسیده است. به دلیل کم لطفی و بی توجهی مسئولین این بنا نیز در معرض تخریب و ویرانی قرار دارد. منازل مسکونی قدیمی بسیاری از این منازل که در مجاورت امامزاده بودند جهت نوسازی یا تخریب شده اند و یا هم اکنون بنایی فرسوده از آن ها باقی مانده است. در تصویر شماره ۳ این موارد را قابل مشاهده است.



تصویر شماره ۳ - منازل مسکونی و حمام قدیمی. (منبع: نگارنده)

۲-۷ تحلیل محدوده ی بافت

با توجه به نقشه های موجود و بررسی های به عمل آمده بافت قدیم پیرامون امامزاده وسعت چندانی نداشته و محل قرارگیری بنای امامزاده در ورودی شهر بوده است. در طول دهه های اخیر این بافت دارای تراکم شده است. در این مسیر با توجه به وجود خلاء های قانونی و نبود نظارت متاسفانه معدود خانه های قدیمی این بافت دچار تخریب آگاهانه و مرتفع سازی گردیده و باقیمانده ی بناها نیز محجور شده اند. نماسازی ها نیز با توجه به عدم وجود سازوکارهای قانونی و نبود پیگیری از سوی مراجع ذیصلاح به شکلی غیر منطقی زیبایی بصری بافت را دچار خدشه نموده است. طبق جدول شماره ۱ میتوان شاخص ترین نقطه قوت بافت را وجود ملجاء شریف امامزاده و بزرگترین نقطه ضعف بافت را فرسودگی بناها و زیرساخت ها دانست.

۳-۷ تحلیل SWOT

جدول شماره ۱ نقاط ضعف و قوت (منبع: نگارنده)

نقاط قوت (Strengths)	نقاط ضعف (Weaknesses)
وجود بنای شاخص امامزاده به عنوان کانون هویت	فرسودگی بناها و زیرساخت‌های شهری
وجود تک‌دانه‌های ارزشمند (آب انبار، حمام مشهد و مسجد و ...)	نفوذناپذیری یا نفوذپذیری با سختی برخی معابر برای خدمات امدادی
بافت سبز و دسترسی به آب قنات شنناو	کمبود پارکینگ برای گردشگران و مراجعان محلی

۸ - بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های این پژوهش برای تبیین و رسیدن به اهداف با چند تحلیل روبرو هستیم که مسیر ما را هموار می‌کنند:

۸-۱ تحلیل آسیب‌شناسانه: چرایی زوال؟ یافته‌های میدانی (نگارنده، ۱۴۰۳) نشان می‌دهد که "ناسازگاری الگوهای جدید زیستی" با "کالبد سستی"، عامل اصلی تخریب است. خانه‌های تاریخی تفرش برای خانواده‌های گسترده و پرجمعیت طراحی شده بوده‌اند. امروزه با هسته‌ای شدن خانواده‌ها و نیاز به استقلال، تقسیم این خانه‌ها به واحدهای کوچکتر دشوار است. همچنین تغییر سبک زندگی و ماشینی شدن و علاقه به آپارتمان نشینی نیز از دلایل تبدیل شدن این خانه‌ها می‌باشد. علاوه بر این، هزینه بالای حفظ و نگهداری سازه‌های خشتی و گلی در برابر مصالح جدید، مالکان را به تخریب و نوسازی ترغیب می‌کند. تحلیل SWOT در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بزرگترین تهدید، "سوداگری زمین" (سودجویی از زمین با چندمرتب‌سازی) و بزرگترین فرصت، "تغییر ذائقه گردشگران به سمت تجربه‌های بومی" است.

جدول شماره ۲ تهدیدها و فرصت‌ها (منبع: نگارنده)

فرصت‌ها (Opportunities)	تهدیدها (Threats)
پتانسیل جذب گردشگر مذهبی و طبیعت‌گرد	مهاجرت ساکنان اصیل و تغییر بافت جمعیتی
امکان تغییر کاربری خانه‌های خالی به اقامتگاه بوم‌گردی	ساخت‌وسازه‌های ناهمگون و بلندمرتبه‌سازی
وجود سایت‌های خالی برای اجرای پروژه‌های مرتبط	خطر زلزله و ناپایداری سازه‌ها

۸-۲ تحلیل گونه‌شناسی: دستور زبان معماری تفرش بر خلاف تصور رایج که معماری مناطق مرکزی ایران را صرفاً درون‌گرا می‌داند، تحلیل‌های این پژوهش نشان داد که معماری تفرش "نیمه‌برون‌گرا" است. به دلیل بافت باغ-شهری و شیب زمین، بسیاری از خانه‌ها علاوه بر حیاط مرکزی، دارای ایوان‌ها و بازشوهایی به سمت باغات پیرامون هستند. این یافته بسیار کلیدی است؛ زیرا به ما اجازه می‌دهد در طراحی‌های جدید، پنجره‌هایی به بیرون تعبیه کنیم و از حبس فضا جلوگیری نماییم، مشروط بر اینکه اشراف بیرونی کنترل شود.

۸-۳ تحلیل راهبرد مداخله: بازآفرینی محرک محور-مدل پیشنهادی "توسعه خوشه‌ای" است. به جای مرمت پراکنده، پیشنهاد می‌شود سه خوشه اصلی زیر تعریف شود:

۱ خوشه زیارتی-تجاری: ایجاد یک میدانچه ورودی و بازارچه (تمرکز بر خدمات عمومی). تصویر شماره ۴ در بازآفرینی این خوشه طرح پیشنهادی این مقاله است.



تصویر شماره ۴ - مدل پیشنهادی بازارچه در سایت روبروی امامزاده (منبع: نگارنده)

۲ خوشه فرهنگی-اقامتی: تبدیل خانه‌های تاریخی بزرگ‌دانه و یا سایت‌های خالی داخل محدوده بافت به هتل بوتیک و اقامتگاه. تصویر شماره ۵ مدل پیشنهادی مقاله حاضر برای محقق شدن آن است.

۳ خوشه مسکونی-کارگاهی: حمایت از مشاغل خانگی (صنایع دستی تفرش مثل تفرشی دوزی و قلم زنی) در خانه‌های مسکونی برای ایجاد درآمد پایدار برای ساکنان.



تصویر شماره ۵ - مدل طراحی شده اقامتگاه و زائر سرا (منبع: نگارنده)

¹ Infill

² Catalyst Regeneration

۹- پیشنهادات پژوهش

بر اساس تحلیل‌ها، "سناریوی بازآفرینی فرهنگ محور و گردشگری پایه" به عنوان سناریوی برتر انتخاب و در سه سطح ارائه می‌گردد:

۹-۱ سطح کلان: ساماندهی نظام دسترسی^۱

- ✎ ایجاد رینگ پیاده‌راه در شعاع ۱۰۰ متری امامزاده.
- ✎ انتقال پارکینگ‌ها به لایه‌های بیرونی بافت و استفاده از خودروهای برقی برای جابجایی سالمندان و گردشگران در محدوده ی اصلی بافت.
- ✎ مسیرهای سواره صرفاً به صورت دسترسی محلی و با کف سازی سنگ فرش (لاشه سنگ مطابق با تصویر شماره ۶) حفظ شوند و حتی الامکان مسیر اصلی تردد طوری در سایت پیش بینی شود که از معبرهای اطراف برای رسیدن به مرکز شهر استفاده گردد.



تصویر شماره ۶ - سنگ فرش خیابان (منبع: <https://www.isna.ir/photo/99082215106>)

۹-۲ سطح میانی: طراحی شهری و جداره‌ها^۲

- ✎ کفسازی و مبلمان: یکسان‌سازی کفسازی میدانچه اصلی با استفاده از سنگ لاشه محلی و آجر ختایی.
- ✎ حذف زوائد بصری: جمع‌آوری سایبان‌های فلزی مغازه‌ها و جایگزینی با سایبان‌های منطبق با الگوی سنتی بازارچه‌ها.
- ✎ نورپردازی: تأکید بر نورپردازی شبانه گنبد و جداره‌های تاریخی با نورگرم و مخفی، جهت ارتقای امنیت و کیفیت بصری در شب.

۹-۳ سطح خرد: معماری و تغییر کاربری

- ✎ پروژه محرک توسعه ۱ (خانه فرهنگ و هنر): پیشنهاد تغییر کاربری سایت روبروی امامزاده مطابق با تصویر شماره ۷ به مرکز فرهنگی و نگارخانه. این کاربری با روحیه مذهبی مکان سازگار است و تضاد ایجاد نمی‌کند. همچنین ایجاد موزه ی مردم شناسی در حمام قدیمی مشهد. تصویر شماره ۸ مدل سه بعدی پیشنهادی این مقاله است.

^۱ Transportation Strategy

^۲ Urban Design



تصویر شماره ۷- مدل طراحی سه بعدی تالار و نگارخانه (منبع: نگارنده)



تصویر شماره ۸- مدل بازآفرینی شده ی حمام قدیمی محله مشهد تفرش (منبع: نگارنده)

۶۰ پروژه محرک توسعه ۲ (اقامتگاه سنتی): احیاء و مرمت چند پلاک همجوار تخریب شده با رویکرد "معماری میان‌افزا".

ضوابط طراحی: استفاده از آجر قزاقی و روستیک در نما، رعایت خط آسمان (حداکثر ۲ طبقه)، استفاده از تناسبات پنجره‌های ارسی، اما با جزئیات مدرن (پرهیز از کپی‌کاری تاریخی). (آیین‌نامه طراحی ساختمان، ۱۳۸۴)

۱۰- مقایسه تطبیقی

مقایسه نتایج این پژوهش با مطالعات مشابه (مانند طرح بازآفرینی یزد یا کاشان) نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی برای تفرش، برخلاف آن‌ها که تمرکز صرف بر گردشگری دارند، بر "سکونت" نیز تأکید دارد. اگر بافت از ساکن بومی خالی شود، تبدیل به "شهر ارواح" یا صرفاً "دکور گردشگری" می‌شود (Tiesdell, & Heath.1996). طرح پیشنهادی با ایجاد تعادل بین فضاهای توریستی و خدمات محله‌ای (نانوایی، بقالی، پارک محلی)، زیست‌پذیری را تضمین می‌کند.

¹ Livability

۱۱ - پاسخ به سوالات پژوهش

با استناد به پژوهش انجام شده و اطلاعات گردآوری شده از منابع معتبر و در هم تنیدن آن ها اکنون پاسخ پرسش های پژوهش به خوبی روشن است:

۱۰ مؤلفه های کالبدی نظیر عدم بروزرسانی کاربری بناهای موجود در بافت و فراموشی کارکردهای گذشته ی آن ها و مؤلفه های اجتماعی نظیر تغییر سبک زندگی و نبود دانش و آگاهی نسبت به بافت تاریخی و اهمیت آن و مؤلفه های عملکردی همچون عدم رسیدگی و نظارت بر سلامت ساختاری ابنیه و نداشتن برنامه برای مرمت و بازسازی مستمر از سوی نهادهای ذیربط و کاهش دلسوزی و بی تفاوت شدن ساکنان محلی از جمله عوامل مؤثر در فرسودگی بافت تاریخی ویژه بافت تاریخی محله ی مشهد تفرش هستند.

۱۱ می توان با داشتن الگوی مداخله ای زمینه گرا در بافت تاریخی امامزاده محمد(ع) تفرش که مبتنی بر باورها و آداب رسوم محلی ، سازگار با اقلیم و هویت ملی و بر پایه دانش و برنامه ریزی مدون و قوی با حمایت همه جانبه مردم و مسئولین منطقه باشد، در مسیر بازآفرینی پایدار قرار گرفت و آن را به دست آورد.

۱۲ - نتیجه گیری

بازآفرینی بافت تاریخی پیرامون امامزاده محمد(ع) تفرش، نیازمند گذار از رویکرد "موزه ای و حفاظتی صرف" به رویکرد "پویا و مشارکتی" است. این پژوهش نشان داد که:

۱۰ حفظ کالبد بدون احیای عملکرد اقتصادی ممکن نیست.

۱۱ گردشگری مذهبی و طبیعی، مهم ترین پتانسیل توسعه درون زای این بافت است.

۱۲ طراحی میان افزا باید با رعایت دقیق "الگوهای گونه شناسانه" (حیاط مرکزی، محرمیت، مصالح بوم آورد) انجام شود.

اجرای این طرح می تواند بافت تاریخی تفرش را به الگویی موفق از "شهر ایرانی-اسلامی معاصر" تبدیل کند که در آن گذشته و حال در صلبی پایدار هم زیستی دارند. پژوهش حاضر با واکاوی چندلایه بافت پیرامون امامزاده محمد(ع) تفرش، به این نتیجه رسید که "بازآفرینی" در این بستر، فرآیندی خطی نیست، بلکه چرخه ای است میان "خوانش گذشته" و "پاسخ به حال". نتایج نشان می دهد که تکیه صرف بر درآمدهای نفتی یا بودجه های دولتی برای مرمت، راه به جایی نخواهد برد. راه نجات بافت، "اقتصادی کردن حفاظت" است. با توجه به تحلیل های کمی و کیفی صورت گرفته ، اصول زیر برای هرگونه ساخت و ساز جدید در حریم امامزاده الزامی است:

۱۰ اصل دانه بندی: خرد کردن توده های ساختمانی بزرگ به قطعات کوچکتر برای هماهنگی با ریتم بافت.

۱۱ اصل سلسله مراتب: احیای الگوی "ورودی-هشتی-حیاط" حتی در آپارتمان های جدید برای حفظ محرمیت.

۱۲ اصل مصالح: استفاده از آجر قزاقی و روستیک و سیمان رنگی (با تم خاکی) و ممنوعیت مطلق استفاده از سنگ های ساختمانی غیر همخوان و نماهای کامپوزیت.

همچنین برای کامل شدن روند بازآفرینی ها پیشنهادات اجرایی و مدیریتی زیر نیز توصیه می شود:

✎ تاسیس "دفتر تسهیلگری و توسعه محلی": استقرار تیمی متشکل از معماران و مددکاران اجتماعی در محله برای جلب اعتماد ساکنان و ارائه مشاوره رایگان مرمت.

✎ مشوق‌های تراکمی هوشمند: اعطای تراکم تشویقی نه در ارتفاع، بلکه در سطح اشغال، برای پلاک‌هایی که معماری سنتی را حفظ یا بازسازی می‌کنند.

✎ برگزاری رویدادهای شهری: استفاده از میدان جلouxان امامزاده برای برگزاری آیین‌های مذهبی (تعزیه تفرش که ثبت ملی است) و بازارهای فصلی جهت زنده نگه داشتن فضا.

در نهایت، این پژوهش اثبات می‌کند که محله امامزاده محمد(ع) تفرش، پتانسیل تبدیل شدن به الگویی از "شهر ایرانی-اسلامی پیشرو" را دارد؛ شهری که در آن معنویت و مدرنیته، نه در تضاد، بلکه در تعامل سازنده با یکدیگرند.

منابع و مراجع:

- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction*. Oxford University Press.
- Habibi, S. M. (2018). *De la Cité à la Ville: Analyse Historique de la Conception Urbaine et de son Aspect Physique*. University of Tehran Press. [In Persian].
- Krier, R. (1979). *Urban Space*. London: Academy Editions.
- Lynch, K. (1960). *The Image of the City*. MIT Press.
- Leary, M., & McCarthy, J. (2013). *The Routledge companion to urban regeneration*. London: Routledge., 1-616.
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. Rizzoli.
- Pulles, K., Conti, I., Kleijn, M., Kusters, B., Rous, T., Havinga, L., & Ikiz Kaya, D. (2023). Emerging strategies for regeneration of historic urban sites: A systematic literature review. *City, Culture and Society*, 35,, 1-15.
- Roberts, P., & Sykes, H. (2000). *Urban Regeneration: A Handbook*. Sage.
- Tiesdell, S., Oc, T., & Heath, T. (1996). *Revitalizing Historic Urban Quarters*. Architectural Press.
- Zhang, Y., Kang, S., & Hoon Koo, J. (2019). . What Is the Critical Factor and Relationship of Urban Regeneration in a Historic District? A Case of the Nanluoguxiang Area in Beijing, China. *Sustainability*, 11 (23), 1-17.

آیین‌نامه طراحی ساختمان‌ها در برابر زلزله (استاندارد ۲۸۰۰)، ویرایش سوم، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.

امینی، سیدحسین. (۱۴۰۳). بازطراحی فضاهای شهری با تکیه بر بافت تاریخی با رویکرد توسعه گردشگری: نمونه موردی بافت تاریخی شهر تفرش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تفرش، ایران. (چاپ نشده)

ایمانی خوشخو، م. (۱۳۹۸). بازطراحی فضاهای شهری با هدف توسعه‌ی گردشگری خلاق (مطالعه موردی: محدوده استخر لاهیجان) پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی و مهندسی گروه تحصیلات تکمیلی شهرسازی دانشگاه دیلمان، لاهیجان، ۲.

برنت، برولین. (۲۰۱۵). معماری زمینه گرا. ترجمه رضازاده، راضیه. نشر خاک، (ص ۱۶۴).

پورجعفری، م. (۱۳۸۸). مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهر ها. تهران: انتشارات پیام.

حبیبی، س و مقصودی، م. (۱۳۸۶). مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

حسن زاده، مهرانوش، و سلطان زاده، حسین. (۱۳۹۵). طبقه بندی راهبردهای برنامه ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت های تاریخی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۶(۲۳)، ۱۹-۲۹.

حقی، ز. (۱۴۰۰). بازطراحی سقف بازار تبریز با رویکرد بازآفرینی تطبیقی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

رحیم‌زاده، ف.، باقری، س. بررسی رفتار دینامیکی مخازن روزمینی انعطاف‌پذیر، چهارمین کنفرانس بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، تهران، ۱۳۸۲.

شعله، م.، لطفی، س و کیان، ف. (۱۳۹۷). کاربری فرآیند یکپارچه طراحی شهری در بازآفرینی مکان مبنای بافت های تاریخی باززنده سازی تداوم مکانی گذر سنگ سیاه شیراز. فصلنامه مدیریت شهری. شماره ۵۲، ۱۰۹-۱۲۶.

فاضلی حق پناه، ابوالفضل. (۱۳۹۵). اصول طراحی بنا در بافتهای فرسوده با استفاده از معماری زمینه گرا. کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهرسازی.

فرخانی، م.، شیخ الاسلامی، ع و نوروزی، م. (۱۳۹۹). بازطراحی فضاهای شهری با تاکید بر رویکرد ارتقای احساس اکنیت (مطالعه موردی : بافت تاریخی و قدیمی شهر خرم آباد). فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی. دوره ۳، شماره ۱، ۱۸۸-۲۰۷.

مولائی قلیچی، م و حسینیان راد، ا. (۱۴۰۳). تحلیل پیشرانهای مؤثر بر بازآفرینی بافت تاریخی شهری با رویکرد آینده پژوهی (مورد مطالعه : شهرکاشان). نشریه علمی پژوهش های فضا و مکان در شهر، دوره ۸، شماره ۳۲، ۳۵-۵۸.